۱۰۹-۱۳۲

تحلیل فرایندی عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان

(مطالعه موردی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر مشهد)

دکتر فردین محمدی[۱]

چکیده: پژوهش حاضر سعی در تبیین این مسأله دارد که عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در مشهد در چه سطحی قرار دارد و چه شرایطی بر آن اثرگذار بوده است. به این منظور چارچوب مفهومی پژوهش بر اساس نظریات بوردیو تدوین شده و به‌منظور گردآوری و تحلیل داده‌ها از روش پیمایش و تحلیل موضوعی بهره گرفته شـــده اســـت. جامعه آماری مورد مطالعه در روش پیمایش عبارت بود از دانش‌آموزان شـــهر مشهد که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و فرمول کوکران ۳۹۰ نفر از آنها به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در روش تحلیل موضوعی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری با ۳۱ نفر از معلمان به‌مثابه مطلعان کلیدی مصاحبه شـــد. نتایج بخش کمی بیانگر آن است که ســـطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان پایین‌تر از سطح متوســـط قرار دارد و نتایج بخش کیفی نیز نشان‌دهنده تضعیف عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در سالهای اخیر تحت‌تأثیر شرایط درون- میدانی و فرامیدانی است. بنابراین نتایج بخش کمی و کیفی تحقیق بیانگر تضعیف سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان است. چنین وضعیتی برای میدان آموزش که یکـــی از مهم‌ترین کارکردهای میدان اجتماعی را به‌عهده دارد، رضایت‌بخش نیست. با توجه به آنکه رابطه متقابل میان میدان تولید و مصرف آموزش وجود دارد، ضروری است که این چالش مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد.

کلید واژگان: میدان آموزش، عادت‌واره نهادی، دانش‌آموزان، بوردیو

☑ تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۶ ☑ تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۲۴

۱. دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
fardin.mohammadi1@gmail.com

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

مقدمه

تلقی آموزش و پرورش به‌مثابه کلید توسعه در نیمه دوم قرن بیستم موجب شد که بسیاری از کشورها از جمله کشورهای درحال توسعه در برنامه‌های ملی به آن توجهی ویژه داشته باشند (ماسینو و نینیو ـ زارازوا[1]، ۲۰۱۶؛ اودفونا[2] و همکاران، ۲۰۱۳؛ احمد[3] و همکاران، ۲۰۱۴). در ایران نیز، در اوایل قرن حاضر در برنامه‌های توسعه به نقش آموزش و پرورش در دستیابی به توسعه، توجه بسیار شد، به‌طوری‌که در برنامه عمرانی اول (سال ۱۳۲۷) به توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای، در برنامه عمرانی دوم (سال ۱۳۳۶) به تعلیمات فنی‌حرفه‌ای و در برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۱) به برنامه آموزشی توجهی ویژه شد و فعالیتهای آموزشی در پرتو انضباط و قواعد یک برنامه درازمدت اجرا شد (آقازاده، ۱۳۸۲). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، نه تنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی و برنامه‌های پنجساله اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه و اسناد راهبردی به آموزش و پرورش و نقش آن در توسعه توجه شد و از آن به‌مثابه یکی از مهم‌ترین زیرساختهای تعالی و پیشرفت همه‌جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف یاد گردید (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰)، بلکه در زمینه نظام آموزشی کشور و مشکلات آن مطالعاتی گسترده آغاز شد و در باب اهداف و ساختار آموزش و پرورش و حل مشکلات آن در راستای دستیابی به توسعه طرحهای اصلاحی متعددی انجام گرفت. اما به‌رغم تلاشهای گسترده و تغییرات و اصلاحات انجام شده، آموزش و پرورش در ایران ناگزیر با چالشهای عمده‌ای روبه‌رو شده که از آن‌میان می‌توان به عملکرد ضعیف دانش‌آموزان در آزمونهای بین‌المللی به‌ویژه مطالعات تیمز[4] و پرلز[5] ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ (معدن‌دار آرانی و سرکارآرانی، ۱۳۸۸؛ مرکز بین‌المللی مطالعات تیمز و پرلز، ۲۰۱۶)، پایین بودن کیفیت زندگی شغلی معلمان (قادرزاده و فرجی، ۱۳۹۳) و افت تحصیلی بالا در دانش‌آموزان (حاجی‌هاشمی، ۱۳۸۷ و داوری‌اردکانی، ۱۳۹۰) اشاره داشت. حتی در سند تحول بنیادین نیز اشاره شده است که «آموزش و پرورش با مشکلات و چالشهای جدی روبه‌روست و برونداد آن در طراز جمهوری اسلامی ایران و پاسخگوی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نمی‌باشد» و «تحول بنیادین در آن باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴ ترسیم‌گر ایرانی توسعه‌یافته ... است» (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). در نتیجه می‌توان ادعا کرد این نظام عملاً نتوانسته است متناسب با تغییرات ایجادشده در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران، تحولات لازم را در ساختار و کارکردهای خود ایجاد کند تا ضمن دستیابی به اهداف موردنظر خود، از کارایی و اثربخشی مطلوب در جامعه برخوردار شود. با توجه به مطالب مذکور، مسأله اصلی تحقیق آن است که باوجود تلاشها و اصلاحات انجام شده، دلیل ناکارآمدی

1. Masino & Niño-Zarazúa
2. Udefuna
3. Ahmad
4. TIMSS
5. PIRLS

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

میدان آموزش در ایران چیست؟

در راستای تحلیل ناکارآمدی نظامهای اجتماعی به‌ویژه آموزش و پرورش، رویکردها و نظریات متعدد وجود دارد که در این راستا می‌توان به‌نظریه پیر بوردیو جامعه‌شناس برجسته قرن بیستم، اشاره کرد. وی بر این باور است که میدانهای اجتماعی[1] هنگامی می‌توانند کارکرد تخصصی خود را به‌خوبی ایفا نمایند که از ویژگیهایی مانند انطباق عادت‌واره عاملان اجتماعی با میدان مربوطه برخوردار باشند (پرستش، ۱۳۹۰). بوردیو عادت‌واره را نظامی از خویها، خصلتها، ارزشها و تمایلات گذرا و در عین حال (نسبتاً) ماندگاری می‌داند که در شخصیت کنشگر به وسیله تجربه و در تعامل با دیگران فراهم آمده است و ضمن تعیین شیوه‌های زندگی (بوردیو، ۱۳۸۱؛ بک[2]، ۲۰۱۶)، نحوه مواجهه او با موقعیتهای گوناگون را جهت می‌بخشد و کنش را اداره می‌کند (بوردیو، ۱۹۹۵). بنابراین عادت‌واره چارچوب ادراکات، ارزیابی و اعمال و منبع انتخابهای افراد است و کنش آنها را اداره می‌کند (بوردیو، ۱۹۹۵). از دیدگاه بوردیو عادت‌واره‌ها قابل تغییر هستند و با میدانهای جدید یا با تغییرات جدید میدان منطبق می‌شوند (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷). همچنین وی معتقد است که «هر تغییری در عادت‌واره‌ها مستقیم یا غیرمستقیم موجب دگرگونی میدان تولید خواهد شد»، زیرا پشتوانه موفقیت تولیدکننده‌هایی می‌شود که در مبارزه‌های این میدان بهتر از دیگران قادرند نیازهایی متناسب با طبع و قریحه‌هایی جدید تولید کنند (بوردیو، ۱۳۹۱). بنابراین عادت‌واره نه تنها عاملیت و کنشهای فرد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، بلکه میدانهایی را که برای کنش خود برگزیده است، متأثر می‌سازد (دلیرپور، ۱۳۹۴). بر اساس نظریه بوردیو عاملان اجتماعی باید از عادت‌واره نهادی[3] آن میدان در سطح زیادی برخوردار باشند. در چنین شرایطی است که میدانهای اجتماعی از جمله میدان آموزش می‌توانند کارکرد تخصصی خود را اجرایی کنند. در غیر این‌صورت میدان با چالشهای کارآمدی مواجه می‌شود. بر اساس نظریه بوردیو هر اندازه معلمان و دانش‌آموزان از میزان عادت‌واره نهادی بیشتری برخوردار باشند، میدان آموزش می‌تواند کارکرد تخصصی خود را به‌خوبی اجرایی کند و از توانایی بیشتری نیز برای نقش‌آفرینی در توسعه برخوردار خواهد شد.

دومایس[4] (۲۰۰۲) در تحقیقی با استفاده از مطالعات طولی تأثیر سرمایه فرهنگی و عادت‌واره بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر را مورد بررسی قرار داده است. نتایج بیانگر آن بود که تأثیر عادت‌واره بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان بیشتر از تأثیر سرمایه فرهنگی آنهاست. انگستروم و کارلهد[5] (۲۰۱۴) نیز در تحقیقی ترکیبی با استفاده از نظریه بوردیو و روش ترکیبی، تیپولوژی عادت‌واره معلمان فیزیک را در کشور سوئد مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که عادت‌واره معلمان فیزیک

1. Social fields
2. Beck
3. Institutional habitus
4. Dumais
5. Engström & Carlhed

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

متفاوت است و آن را می‌توان در سه دسته مدیریت سنتی، چالشگران تکنولوژی و چالشگران شهروندی تقسیم‌بندی کرد. نتایج تحقیق زریم مارتینجک[1] (۲۰۱۵) نیز که با استفاده از روش پیمایش و روش اسنادی در اسلوونی انجام شده بود، علاوه بر آن که بیانگر وجود رابطه معنادار میان عادت‌واره و عملکرد آموزشی بود، بیانگر وجود شکاف میان عادت‌واره نهادی معلمان و عادت‌واره خانوادگی آنها بود. فلدمن و فاتار[2] (۲۰۱۷) نیز در تحقیقی کیفی تغییرات آموزش و پرورش و چگونگی سازگاری معلمان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که تغییر مداوم آموزش و پرورش با تغییر عادت‌واره نهادی معلمان همراه است. مرور تحقیقات تجربی حاکی از آن است که اکثر پژوهشگران داخلی مؤلفه‌های عادت‌واره نهادی (تعهد شغلی، نگرش شغلی، اولویتهای ارزشی) را مورد بررسی قرار داده‌اند و خود این متغیر را مورد بررسی قرار نداده‌اند. در تحقیقات خارجی نیز باوجود بررسی رابطه عادت‌واره با عملکرد آموزشی و موفقیت تحصیلی، وضعیت عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در میدان آموزش و تغییرات آن مورد توجه واقع نشده است و بیشتر به عادت‌واره نهادی معلمان پرداخته شده است. این امر نشان‌دهنده این واقعیت است که در تحقیقات تجربی خلایی بزرگ در زمینه تحلیل وضعیت عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در میدان آموزش وجود دارد. حال با توجه به این موضوع و با توجه به ناکارآمدی میدان آموزش ایران در نقش‌آفرینی در توسعه، مسأله اساسی تحقیق آن است که عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در مشهد در چه سطحی قرار دارد؟ نسبت به گذشته چه تغییراتی کرده است؟ چه شرایطی بر آن اثرگذار بوده است؟ و در نهایت وضعیت کنونی عادت‌واره دانش‌آموزان چه پیامدهایی داشته است؟ با توجه به آنکه میدان آموزش از زیرمیدانهای گوناگون تشکیل شده است، در این تحقیق سعی بر آن است که در راستای تحلیل ناکارآمدی میدان آموزش و عدم اثربخشی مطلوب آن، عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در زیرمیدان آموزش متوسطه دوم مورد بررسی قرار گیرد.

روش تحقیق

در این پژوهش برای دستیابی به هدف پژوهش و پاسخ به مسأله طرح‌شده از روشهای پیمایش و تحلیل موضوعی استفاده شده است. به‌طوری‌که در مرحله اول برای تعیین سطوح عادت‌واره دانش‌آموزان از روش پیمایش استفاده شده است. این بخش از تحقیق از نظر بُعد زمانی از نوع مقطعی، از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر سطح از نوع خُرد است و واحد تحلیل نیز فرد (دانش‌آموزان) است. در این مرحله برای گردآوری داده‌ها و سنجش متغیرها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. برای تهیه پرسشنامهٔ تحقیق شاخصهای مربوط به هرکدام از متغیرهای تحقیق، با توجه به مبانی نظری و پژوهشی و تحقیقات قبلی استخراج و هر شاخص متناسب با سطح سنجش و با استفاده از طیف

1. Zrim Martinjak
2. Feldman & Fataar

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

خاصی مورد ســـنجش قرار داده شد. سپس، پرسشنامۀ پاسخگویان از طریق مراجعه پرسشگر به خود پاسخگویان تکمیل شد. گویه‌ها نیز بر اساس طیف جمع نمرات لیکرت طراحی شدند. مقیاس نمره‌گذاری گویه‌ها بر مبنای یک تا پنج اســـت (خیلی‌زیاد = نمره ۵ و خیلی‌کم = نمره ۱). جامعه آماری تحقیق شـــامل دانش‌آموزان نواحی هفتگانه شهر مشهد در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بود که به‌صورت تقریبی ۱۰۱۱۰۴ نفر بوده‌اند. برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که ۳۹۰ نفر برآورد شـــده‌اند. برای انتخاب نمونه‌ها روش نمونه‌گیری تلفیقی خوشـــه‌ای و تصادفی ساده به‌کار رفته است. بر همین اســـاس برای انتخاب نمونه، جمعیت بر حسب بافت شهری به سه خوشه تقسیم شد. در این خوشه‌بندی نواحی ۱، ۲ و ۵ در خوشه اول، نواحی ۳ و ۶ در خوشه دوم و نواحی ۷ و ۴ در خوشه سوم قرار گرفتند. با توجه به همگنی خوشه‌ها از هر خوشه به‌طور تصادفی ناحیه‌ای انتخاب شد، به‌طوری‌که در خوشـــه اول، ناحیه یک، در خوشـــه دوم، ناحیه ۶ و در خوشه سوم ناحیه ۷ گزینش شدند. سپس از ناحیه منتخب با توجه به‌نظر کارشناسان نواحی مذکور تعدادی از مدارس انتخاب شدند (۱۲ مدرسه دخترانه و ۱۲ مدرســـه پســـرانه). در تعیین حجم نمونۀ خوشه‌های انتخاب شده، سعی شده است که نسبت حجم خوشه به حجم جامعه آماری رعایت شود. در انتخاب نمونه‌ها در هر خوشه نیز سعی شده است که نسبت دخترها به پسرها رعایت شود.

جدول ۱. حجم نمونه به تفکیک عاملان اجتماعی، خوشه و جنسیت

عاملان اجتماعی	خوشه	حجم نمونه		
		دختر	پسر	کل
دانش‌آموزان	اول	۷۵	۷۷	۱۵۲
	دوم	۴۵	۶۰	۱۰۵
	سوم	۷۰	۶۳	۱۳۳

برای بالا بردن اعتبار پرسشنامه، ابتدا اعتبار صوری سؤالات با بهره‌گرفتن از نقطه‌نظرات و مشاورت صاحبنظران مورد بررســـی قرار گرفت. علاوه براین، در تدوین ســـؤالات یا گویه‌های مقیاسهای اصلی از سؤالات مشابهی استفاده شـــد که در پرسشنامه‌های فراگیر داخلی و خارجی مورد استفاده قرار گرفته بود. در مرحله بعد، از آنجا که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، نیاز به شاخص‌سازی بود، از روش اعتباریابی شـــاخصها به‌کار گرفته شد و از این طریق معرفهای مناسب برای ســـاخت شاخصها مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش اعتبار درونی شاخصها از روش تحلیل گویه، استفاده شد. در مرحله اول پیش‌آزمون، پرسشـــنامه اولیه در میان ۴۰ دانش‌آموز (۱۰ درصد از کل پاسخگویان) توزیع شد و برای تحلیل پایایی مقیاسهای پرسشنامه از ضریب پایایی یا آلفا استفاده شد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

جدول ۲. نتایج تحلیل پایایی متغیرهای اصلی تحقیق

ردیف	نام متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ	وضعیت پایایی
۱	**عادت‌واره عینی**	۱۱	۰/۸۰۹	دارای پایایی
۲	**عادت‌واره ذهنی**	۱۴	۰/۷۳۰	دارای پایایی
۳	**عادت‌واره**	۲۵	۰/۸۵۰	دارای پایایی

پس از گردآوری پرسشـــنامه‌ها، داده‌های گردآوری شـــده از نمونه‌ها (بر اســـاس جدول شماره ۱) به‌تفکیک وارد نرم افزار آماری SPSS شـــدند و بعد از انجام دادن آزمونهای آماری متعدد، نتایج به‌دست آمده مورد بررسی قرار گرفتند و با این بررسی، بخشی از نتایج اصلی پژوهش در راستای پاسخ به مسأله پژوهش به‌دست آمد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق: عادت‌واره، نظامی از خویها، خصلتها، ارزشـــها و تمایلات گذرا و در عین حال (نســـبتاً) ماندگار در ناخودآگاه افراد اســـت که فهم، برداشـــت و نگرش آنها از دنیا را شـــکل می‌دهد، به درک و داوری آنها درباره جهان می‌انجامد، منبع انتخابهای آنهاســـت (بوردیو، ۱۹۹۵: ۹۵؛ پنگ و سونگ[1]، ۲۰۱۶؛ بک، ۲۰۱۶) و کنش آنها را اداره می‌کند. به عقیده بوردیو عادت‌واره علاوه بر آنکه بسیاری از امور ذهنی مانند اندیشیدن، احساس کردن و تمایلات را در برمی‌گیرد (خوش‌آمدی، ۱۳۸۸)، در اکثر فعالیتهای عینی و عملی انســـان مانند نحوه خوردن، راه رفتن و صحبت کـــردن و غیره نیز خود را نشـــان می‌دهد (ریتـــزر[2]، ۲۰۰۳؛ ترجمه نایبی، ۱۳۹۳). عـــادت‌واره نهادی دانش‌آمـــوزان براســـاس مطالعات تجربی خارجـــی و داخلی و منابع موجـــود در دو بُعد عینی و ذهنی به‌صورت تمایلات، علائق، ارزشـــها، عادات مطالعاتی و رفتارهای آموزشی و فرهنگی عملیاتی شده است که در جدول ۳ آمده است (بوردیو، ۱۳۸۱؛ بوردیو، ۱۳۹۱؛ حسینی و سالارکیا، ۱۳۹۲؛ دلیرپور، ۱۳۹۴؛ ری[3]، ۲۰۰۴؛ توماس[4]، ۲۰۰۲؛ بک، ۲۰۱۶ ؛ پنگ و سونگ، ۲۰۱۶).

1. Pang & Soong
2. Ritzer
3. Reay
4. Thomas

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

جدول ۳. تعریف عملیاتی عادت‌واره نهادی

ابعاد عادت‌واره	مؤلفه	شاخص	سطح سنجش	دامنه تغییر
ذهنی	علائق و تمایلات آموزشی و فرهنگی	علاقه و تمایل به مطالعه و حضور در اماکن فرهنگی، هنری و آموزشی	ترتیبی	۱ - ۵
	ارزشهای آموزشی و فرهنگی	اهمیت مطالعه و یادگیری رضایت از تدریس و تحصیل	ترتیبی	۱ - ۵
عینی	عادات مطالعاتی	مطالعه کتابهای درسی و غیردرسی یادگیری مطالب آموزشی جدید	ترتیبی	۱ - ۵
	رفتارهای آموزشی و فرهنگی	بازدید از مراکز فرهنگی ـ آموزشی مصرف کالاهای فرهنگی ـ آموزشی (به‌جز کتاب)	ترتیبی	۱ - ۵

در مرحله دوم بعد از مشـــخص کردن سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان، جهت تبیین تغییرات آن در طول زمان از روش تحلیل موضوعی اســـتفاده شـــد. تحلیل موضوعی عبارت اســـت از عمل کدگذاری و تحلیـــل داده‌ها با ایـــن هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل به‌دنبال الگویابی در داده‌هاســـت (محمدپور، ۱۳۸۹). میدان مورد مطالعه در این مرحله شـــامل معلمان شهر مشهد بود که در موقعیتهای گوناگون و در مکانهای مختلف در این میدان مشغول به فعالیت و از تجارب آموزشی گسترده‌ای برخوردار بودند. دلیل اینکه در این مرحله معلمان (معاونان و مدیران) به‌مثابه مطلعان کلیدی در نظر گرفته شده‌اند و داده‌ها از آنها گردآوری شده، آن است که معلمان به‌دلیل حضور طولانی‌مدت در میدان آموزش و رابطه متقابل با میدان مصرف شـــناخت کاملی از دانش‌آموزان و عادت‌واره آنها دارند و از توانایی مقایسه صحیح نسل کنونی دانش‌آموزان با نسلهای پیشین برخوردارند. همچنین به‌دلیل آنکه میدان مصرف و میدان تولید در تعامل دو جانبه و متقابل با یکدیگرند، معلمان پیامدهای عادت‌واره نهادی میدان مصرف بر میدان تولید را به‌خوبی تجربه می‌کنند و در این راستا می‌توانند اطلاعاتی ارزنده در اختیار محقق بگذارند. در پژوهش حاضر برای انتخاب نمونه‌ها با توجه به خاص بودن موضوع تحقیق از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. گفتنی است که نمونه‌ها با رعایت تنوع در پایگاه اجتماعی و اقتصادی، طیفهای سنی، رشته تحصیلی و تمایل بیشتر به همکاری در پژوهش انتخاب شده‌اند. برای گردآوری داده‌ها روش مصاحبه کیفی عمیق به‌شـــیوه نیمه‌ساخت‌یافته به‌کار رفته است و مصاحبه‌ها در قالب فایل صوتی ۳۰ تا ۶۰ دقیقه‌ای گردآوری شده‌اند. روند پژوهش به‌گونه‌ای پیش رفت که در مصاحبه ۲۵ اشباع داده‌ها حاصل شد. یعنی هیچ ایده و

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

بینشی جدید از گسترش بیشتر نمونه‌ها حاصل نشد و پاسخگویان داده‌های مشابه با داده‌های کسب شده پیشین ارائه می‌دادند. البته برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها تا مصاحبه ۳۱ ادامه داده شدند.

تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA با استفاده از مفهوم‌سازی ثابت در سه سطح مفاهیم، مقوله و مقوله عمده و در جریان مرحله کدگذاری باز[1] و محوری[2] انجام شد. مرحله کدگذاری باز نیز با توجه به نظریه استراوس و کوربین[3] (۱۳۹۱) در دو مرحله مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی انجام شد. در مرحله مفهوم‌سازی داده‌ها با روش سطربه‌سطر به بخشهای مجزا تفکیک شدند و پس از بررسی دقیق شباهتها و تفاوتهای موجود میان واحدهای متنی مورد نظر، به هرکدام از بخشها با توجه به بار معنایی یا ایده اصلی موجود در آن، عناوین مفهومی معینی اختصاص یافت. در نام‌گذاری مفاهیم سعی شد که از کدهای جنینی (برگرفته از داده‌های مصاحبه‌شوندگان) و تفسیری (بر اساس تفسیر محقق) استفاده شود. در مرحله مقوله‌بندی نیز بر اساس روش مقایسه، مفاهیم بررسی شدند و مفاهیم مشترک در ذیل مقوله‌های معین قرار گرفتند. در نهایت در مرحله کدگذاری محوری ارتباط مقوله‌ها با یکدیگر مشخص شد (برکس و میلز[4]، ۲۰۱۱؛ کندال[5]، ۱۹۹۹؛ واکر و مایریک[6]، ۲۰۰۶). در پژوهش حاضر برای اطمینان از اعتبار و پایایی داده‌های به‌دست آمده از چندین تکنیک استفاده شده است. به‌طوری‌که با استفاده از تکنیک مفهوم‌سازی تحلیلی، داده‌های استفاده شده در فرایند پژوهش چندین بار بررسی و ارزیابی شدند. همچنین مراحل کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات با راهنمایی و تحت نظارت اساتیدی انجام شد که در زمینه روش تحقیق کیفی و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش تخصص داشتند، به‌طوری‌که در جلسات مکرر تحلیل داده به‌صورت مباحثه‌ای صورت می‌گرفت یا بعداً به تأیید آنها می‌رسید و اصلاحات مورد نظر آنها اعمال می‌شد (تکنیک ممیزی)[7]. در مرحله پایانی نیز نتایج تحقیق برای ارزیابی و تعیین صحت، در اختیار شماری از مشارکت‌کنندگان قرار داده شد که آنها را تأیید کردند (اعتباریابی از سوی اعضا).

یافته‌ها

۱. ویژگیهای جمعیتی دانش‌آموزان

در نمونه مورد بررسی از نظر جنسیت، ۵۱/۲ درصد پاسخگویان پسر و ۴۸/۷ درصد دختر و از نظر رشته تحصیلی ۳۶/۳ درصد در رشته علوم تجربی، ۱۵/۵ درصد در رشته ریاضی- فیزیک، ۳۶/۸ درصد در رشته ادبیات و علوم انسانی و ۱۱/۴ درصد در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش مشغول به تحصیل بودند.

1. Open coding
2. Axial
3. Strauss & Corbin
4. Birks & Mills
5. Kendall
6. Walker & Myrick
7. Auditing

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

جدول ۴. توزیع فراوانی ویژگیهای جمعیتی دانش‌آموزان

نام متغیر			فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
جنسیت		پسر	۱۹۷	۵۱/۲	۵۱/۲
		دختر	۱۸۸	۴۸/۷	۱۰۰
رشته تحصیلی		علوم تجربی	۱۴۰	۳۶/۳	۲۶/۳
		ریاضی ـ فیزیک	۶۰	۱۵/۵	۵۱/۸
		ادبیات و علوم انسانی	۱۴۲	۳۶/۸	۸۸/۶
		فنی و حرفه‌ای و کاردانش	۴۳	۱۱/۴	۱۰۰
شغل والدین	شغل مادر	خانه‌دار	۳۳۱	۸۵/۸	۸۵/۸
		آزاد	۱۳	۳/۴	۸۹/۲
		معلم	۱۸	۴/۷	۹۳/۹
		کارمند	۱۲	۳	۹۶/۹
		بازنشسته	۹	۲/۴	۹۹/۳
		پزشک	۲	۰/۴۵	۹۹/۷۵
		مهندس	۱	۰/۲۵	۱۰۰
	شغل پدر	کارگر	۲۲	۵/۷	۵/۷
		آزاد	۱۹۶	۵۰/۸	۵۶/۵
		معلم	۱۸	۴/۷	۶۱/۲
		کارمند	۷۸	۲۰/۱	۸۱/۳
		بازنشسته	۵۹	۱۵/۴	۹۶/۷
		پزشک و استاد دانشگاه	۵	۱/۳	۹۸
		مهندس	۷	۱/۸	۹۹/۷
		پیمانکار	۱	۰/۳	۱۰۰

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

جدول ۴. (ادامه)

نام متغیر			فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
تحصیلات والدین	پدر	زیر دیپلم	۱۳۳	۲۹/۵	۲۹/۵
		دیپلم	۷۲	۳۹/۹	۶۹/۴
		کاردانی	۸۳	۱۰/۶	۸۰
		کارشناسی	۱۱	۱۳/۷	۹۳/۷
		کارشناسی ارشد و ارشد به بالا	۱	۶/۲	۱۰۰
	مادر	زیر دیپلم	۱۳۸	۳۵/۸	۳۸/۸
		دیپلم	۱۵۷	۴۰/۷	۷۶/۵
		کاردانی	۴۳	۱۱/۶	۸۸/۱
		کارشناسی	۳۳	۸/۸	۹۶/۱
		کارشناسی ارشد و ارشد به بالا	۱۵	۳/۹	۱۰۰
میزان درآمد ماهانه خانواده		حدود ۱۰۰۰۰۰۰ تومان	۱۰۳	۲۶/۷	۲۶/۷
		حدود ۱۵۰۰۰۰۰ تومان	۱۰۹	۲۸/۲	۵۴/۹
		حدود ۲۰۰۰۰۰۰ تومان	۸۳	۲۱/۵	۷۶/۴
		حدود ۲۵۰۰۰۰۰ تومان	۳۷	۹/۶	۸۶
		بیشتر از ۲۵۰۰۰۰۰ تومان	۵۴	۱۴	۱۰۰

۲. توصیف آماری سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در میدان مصرف

نتایج به‌دست آمده، در راستای پاسخ به این بخش از مسأله تحقیق که عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در ایران در چه سطحی قرار دارد، بیانگر آن است که در نمونه مورد بررسی، سطح علائق و تمایلات آموزشی و فرهنگی در ۱۰ درصد از دانش‌آموزان ضعیف، در ۴۴/۹ درصد متوسط و در ۴۵/۱ درصد زیاد است. میانگین این مؤلفه برابر با ۳/۴ است که بر مبنای یک مقیاس ۱ تا ۵ درجه‌ای پایین‌تر از سطح متوسط (یعنی مقدار ۳) ارزیابی می‌شود. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب ارزشهای آموزشی و فرهنگی نیز بیانگر آن است که در ۵/۲ درصد دانش‌آموزان، سطح ارزشهای آموزشی و

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

فرهنگی ضعیف، در ۲۷/۷ درصد در ســطح متوســط و در ۶۷/۱ درصد زیاد است. میانگین این مؤلفه برابر با ۳/۸۵ اســت که پایین‌تر از سطح متوسط ارزیابی می‌شود. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب عادات مطالعاتی نیز بیانگر آن اســت که در ۳۲/۹ درصد دانش‌آموزان، سطح عادات مطالعاتی ضعیف، در ۵۶/۵ درصد در سطح متوسط و در ۱۰/۶ درصد زیاد است. میانگین این مؤلفه برابر با ۲/۴۹ است که پایین‌تر از سطح متوسط ارزیابی می‌شود. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب رفتارهای آموزشی و فرهنگی نیز بیانگر آن است که در ۲۴ درصد دانش‌آموزان، سطح رفتارهای آموزشی- فرهنگی ضعیف، در ۶۵/۵ درصد در سطح متوسط و ۱۰/۴ درصد زیاد است. میانگین این مؤلفه برابر با ۲/۸۱ است که پایین‌تر از سطح متوسط ارزیابی می‌شود.

جدول ۵. نتایج سطوح توصیفی مؤلفه‌های عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	تجمعی	میانگین	انحراف معیار
علائق و تمایلات آموزشی و فرهنگی	سطح پایین	۳۹	۱۰	۱۰	۳/۴	۰/۸۸
	سطح متوسط	۱۷۳	۴۴/۹	۵۴/۹		
	سطح زیاد	۱۷۴	۴۵/۱	۱۰۰		
ارزشهای آموزشی و فرهنگی	سطح پایین	۲۰	۵/۲	۵/۲	۳/۸۵	۰/۷۷
	سطح متوسط	۱۰۷	۲۷/۷	۳۲/۹		
	سطح زیاد	۲۵۹	۶۷/۱	۱۰۰		
عادات مطالعاتی	سطح پایین	۱۲۷	۳۲/۹	۳۲/۹	۲/۴۹	۰/۷۴
	سطح متوسط	۲۱۸	۵۶/۵	۸۹/۴		
	سطح زیاد	۴۱	۱۰/۶	۱۰۰		
رفتارهای آموزشی	سطح پایین	۹۳	۲۴/۱	۲۴/۱	۲/۸۱	۰/۶۶
	سطح متوسط	۲۵۳	۶۵/۵	۸۹/۶		
	سطح زیاد	۴۰	۱۰/۴	۱۰۰		

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

نتایج توصیفی ابعاد ذهنی و عینی عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان بیانگر آن است که در میان جمعیت نمونه مورد بررسی، میانگین عادت‌واره ذهنی دانش‌آموزان در میدان آموزش برابر با ۳/۸۶ است که بالاتر از سطح متوسط ارزیابی می‌شود. همچنین نتایج توصیفی عادت‌واره عینی دانش‌آموزان بیانگر آن است که میانگین این مؤلفه برابر با ۲/۶۵ است که پایین‌تر از سطح متوسط ارزیابی می‌شود. این بدان‌معناست که میزان بُعد عینی عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان پایین‌تر از سطح متوسط است و وضعیت چندان مناسبی ندارند. به‌طور کلی نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که میانگین ابعاد عینی و ذهنی عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در میدان آموزش متفاوت است. به‌طوری‌که میانگین بُعد ذهنی عادت‌واره نهادی بیشتر از میانگین بُعد عینی عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان است. نتایج توصیفی عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان به‌طورکلی نشان می‌دهد که سطح عادت‌واره نهادی در ۷/۸ درصد از دانش‌آموزان ضعیف، در ۷۴/۱ درصد متوسط و در ۱۸/۱ درصد زیاد است. میانگین این متغیر برابر با ۳/۱۵ است که بر مبنای یک مقیاس یک تا ۵ درجه‌ای برابر با سطح متوسط ارزیابی می‌شود.

جدول ۶. نتایج توصیفی سطوح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان و ابعاد آن

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	تجمعی	میانگین	انحراف معیار
بُعد ذهنی عادت‌واره نهادی	سطح پایین	۹۳	۵/۴	۵/۴	۳/۸۶	۰/۷۳
	سطح متوسط	۲۵۳	۳۸/۶	۴۴		
	سطح زیاد	۴۰	۵۶	۱۰۰		
بُعد عینی عادت‌واره نهادی	سطح پایین	۲۱	۲۹/۳	۲۹/۳	۲/۶۵	۰/۶۱
	سطح متوسط	۱۴۹	۶۳/۲	۹۲/۵		
	سطح زیاد	۲۱۶	۷/۵	۱۰۰		
عادت‌واره نهادی	سطح پایین	۳۰	۷/۸	۷/۸	۳/۱۵	۰/۵۸
	سطح متوسط	۲۸۶	۷۴/۱	۸۱/۹		
	سطح زیاد	۷۰	۱۸/۱	۱۰۰		

به‌طورکلی نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که میزان عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در میدان آموزش پایین‌تر از سطح متوسط است و از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نیست.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

۳. یافته‌های کیفی: تحلیل تغییرات عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان

پس از تعیین سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان، سعی شده که با روش تحلیل موضوعی و تکنیک مصاحبه، به این بخش از مسأله تحقیق که عادت‌واره دانش‌آموزان نسبت به گذشته چه تغییراتی کرده، چه شـــرایطی بر آن اثرگذار بوده و در نهایت این وضعیت چه پیامدهایی در پی داشته است، پاسخ داده شـــود. مشـــارکت‌کنندگان این مرحله از تحقیق ۳۱ نفر از معلمان بودند که از تجربه آموزشـــی بالایی برخـــوردار بودند. هدف اصلی این مرحله آن بود که با بهره‌گیری از داده‌های کیفی گردآوری شـــده که از مصاحبـــه با معلمـــان، مدیران و معاونان به‌مثابه مطلعان کلیدی، این وضعیت مورد راســـتی‌آزمایی و واکاوی بیشتر قرار گیرد و پیامدهای آن بر میدان آموزش بررسی شود، زیرا همانطورکه پیشتر گفته شد معلمان به‌دلیل حضور طولانی مدت در میدان آموزش و رابطه متقابل با میدان مصرف ضمن شـــناخت کامل از دانش‌آموزان، از توانایی مقایسه صحیح نسل کنونی دانش‌آموزان با نسلهای پیشین برخوردارند. مشـــارکت‌کنندگان از نظر جنســـیت ۲۹/۳ درصـــد زن و ۷۰/۹۷ درصد مرد بودنـــد. از نظر تحصیلات ۵۸ درصد از آنها دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۳۸/۷ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳/۳ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند. دامنه سنی مشارکت‌کنندگان ۲۷ تا ۵۲ سال و میانگین سنی آنها ۴۰/۸۳ سال بود. سابقه شغلی مشارکت‌کنندگان ۵ تا ۳۰ سال و میانگین آن نیز ۲۰/۵ سال بود. پس از بررســـی مصاحبه‌ها و گردآوری داده‌ها، با استفاده از تکنیکهای مفهوم‌بندی و مقوله‌بندی تحلیل داده‌ها انجام شد. در این مرحله ۲۳ مفهوم استخراج شدند که در قالب ۸ مقوله قرار گرفتند.

جدول ۷. مقوله‌های وضعیت عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان از دیدگاه معلمان

ردیف	مفاهیم	مقوله
۱	تضعیف علاقه تحصیلی دانش‌آموزان	تضعیف بُعد ذهنی عادت‌واره دانش‌آموزان
۲	تضعیف انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان	
۳	کاهش سطح مطالعه دانش‌آموزان	تضعیف بُعد عینی عادت‌واره دانش‌آموزان
۴	کاهش سطح سواد دانش‌آموزان	
۵	تضعیف جنبه تربیتی ـ انضباطی رفتار دانش‌آموزان	
۶	تأثیر کمبود بودجه بر علاقه و انگیزه دانش‌آموزان	وضعیت مالی نامناسب میدان آموزش؛ مانع ارتقای سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان
۷	تأثیر امکانات آموزشی نامناسب بر کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان	

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

جدول ۷. (ادامه)

ردیف	مفاهیم	مقوله
۸	تأثیر وضعیت نابسامان اشتغال بر کاهش انگیزه و علاقه تحصیلی دانش‌آموزان	مداخله سایر میدانهای اجتماعی؛ مانع ارتقای سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان
۹	تأثیر فضای مجازی بر کاهش مطالعه دانش‌آموزان	
۱۰	تأثیر افزایش آمار قبولی بر کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان	منطق پنهان ضدآموزش؛ مانع ارتقای سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان
۱۱	تأثیر افزایش آمار قبولی بر کاهش سطح سواد و مطالعه دانش‌آموزان	
۱۲	تأثیر شناخت مشکل‌ساز دانش‌آموزان از افزایش آمار قبولی بر کاهش عادت‌واره نهادی آنها	
۱۳	تأثیر شناخت مشکل‌ساز دانش‌آموزان از قوانین مکتوب بر کاهش عادت‌واره نهادی آنها	منطق آشکار میدان آموزش؛ مانع ارتقای سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان
۱۴	تأثیر سیاست آموزشی نامناسب بر بیسوادی دانش‌آموزان	
۱۵	تأثیر قوانین آموزشی تسهیل‌کننده بر کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان	
۱۶	تأثیر قوانین آموزشی تسهیل‌کننده بر افت تحصیلی دانش‌آموزان	
۱۷	تأثیر کاهش عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان بر نحوه تدریس معلمان	تضعیف عادت‌واره نهادی میدان تولید تحت‌تأثیر میدان مصرف
۱۸	تأثیر کاهش مطالعه دانش‌آموزان بر مطالعه معلمان	
۱۹	تأثیر کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان بر انگیزه شغلی معلمان	
۲۰	تأثیر کاهش انگیزه شغلی معلمان بر کاهش انگیزه دانش‌آموزان	سیر نزولی عادت‌واره نهادی میدان تولید؛ مانع ارتقای عادت‌واره نهادی میدان مصرف
۲۱	تأثیر کاهش علاقه شغلی معلمان بر کاهش علاقه دانش‌آموزان	
۲۲	تأثیر کاهش مطالعه معلمان بر کاهش علاقه دانش‌آموزان	
۲۳	تأثیر کاهش عادت‌واره معلمان بر کاهش سطح سواد و مطالعه دانش‌آموزان	

مقوله اول: تضعیف بُعد ذهنی عادت‌واره دانش‌آموزان

مقوله حاضر بیانگر تضعیف سطح عادت‌واره ذهنی دانش‌آموزان در سالهای اخیر است. این امر حاکی از آن اســـت که سطح علائق تحصیلی دانش‌آموزان در میدان آموزش تضعیف شده است و دانش‌آموزان

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

علاقه کافی به مدرسه و تحصیل ندارند. در صورتی که در گذشته وضعیت علاقه تحصیلی دانش‌آموزان نسبت به امروز بهتر و بیشتر بوده است. تضعیف عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در سالهای اخیر به گونه‌ای است که سطح انگیزه آنها را در برگرفته است. به‌طوری‌که انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان نیز کاهش یافته است و دانش‌آموزان انگیزه کافی برای تحصیل و حضور در مدرسه ندارند و از رفتن به کلاس درس رنج می‌برند.

با این نظام جدید که اومده، انگیزه دانش‌آموزها خیلی پایین اومده. چون که من الان خودم کلاس پایه دهم دارم می‌بینم که بچه‌ها نسبت به نظام قبلی انگیزه‌ای برای مطالعه کردن ندارند. نسبت به گذشته اگه بخوایم کلی حرف بزنیم روی هم رفته مدارس عادی ۷۰ درصد ۸۰ درصد بی‌انگیزه هستند **(مصاحبه شماره ۱۹)**.

مقوله دوم: تضعیف بُعد عینی عادت‌واره دانش‌آموزان

این مقوله بیانگر آن است که دانش‌آموزان امروزه به‌ندرت به مطالعه می‌پردازند و مطالعات آنها بیشتر بر کتابهای درسی متمرکز است و با کتابهای غیردرسی آشنایی زیادی ندارند و به مطالعه چنین کتابهایی نمی‌پردازند. این امر موجب شـــده که دانش و اطلاعات دانش‌آموزان بیشـــتر به کتابهای درسی محدود شود. با توجه به آنکه بوردیو معتقد است، انسجام، پیوستگی و همبستگی خاصی میان سطوح، مؤلفه‌ها و ابعاد عادت‌واره وجود دارد، تحت‌تأثیر کاهش علاقه، انگیزه تحصیلی و ســـطح مطالعه، ســـطح سواد نیز کاهش یافته و اشـــتباهات فاحش نوشتاری و گفتاری در دانش‌آموزان گسترش یافته است. به‌طوری‌که می‌توان گفت که ســـطح سواد دانش‌آموزان با پایه تحصیلی آنها نه‌تنها مطابقت ندارد، بلکه فاصله بسیار نیز دارد. همچنین دانش‌آموزان در درک مطالب و فهم متن و ســـؤالات امتحانی مشکل دارند و با تغییر عبارات امتحانی در پاسخ به سؤالات با مشکل مواجه می‌شوند.

دانش‌آموزهای ما، در همون سطح سوم و چهارم ابتدایی بیشتر سواد ندارن. برخی از مدارس خاص نمونه و تیزهوشان ما داریم اینا استثنا هستند و در حد اکثریت نیست. مگه ما چقدر دانش‌آموز نمونه و تیزهوش داریم. اکثریت بچه‌ها از نظر درسی در سطح پایینی هستند **(مصاحبه شماره ۱۰)**.

آنقدر مطالعه‌شـــون صفره که وقتی از روی کتاب می‌خونن همش غلط غولوط می‌خونن تو برگه‌های امتحانیشون هم که می‌نویسن پر از غلط املایی است **(مصاحبه شماره ۶)**.

ضعف دانش‌آموزان امروزی صرفاً به بُعد آموزشی محدود نشده، بلکه سایر ابعاد از جمله بُعد پرورشی را نیز در برگرفته اســـت. به‌طوری‌که امروزه دانش‌آموزان به لحاظ انضباطی و تربیتی با مشکلات بسیار روبه‌رو هستند و سطح انضباطی و تربیتی آنها نسبت به گذشته کاهش یافته است. مصادیق و نمونه‌های این کاهش ســـطح تربیتی و انضباطی دانش‌آموزان را می‌تـــوان در برخورد با معلمان و مدیران مدارس مشاهده کرد. دانش‌آموزان به‌عکس نسلهای گذشته نه‌تنها به معلمان و مدیران احترام نمی‌گذارند، بلکه

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

علیه آنها اقدام به برخورد فیزیکی و مشاجره نیز می‌کنند. همچنین دانش‌آموزان محیط مدرسه و کلاس درس را محیط آموزشی نمی‌دانند، بلکه محیطی برای اذیت و آزار و تفریح خود قلمداد کرده‌اند. کاهش جنبه تربیتی و اخلاقی دانش‌آموزان در محیط مدرسه به‌گونه‌ای است که موجبات نگرانی معلمان را فراهم آورده و به یک معضل آموزشی ـ تربیتی در میدان آموزش مبدل شده است.

متأسفانه این دانش‌آموزا نسبت به اون زمانی که ما دانش‌آموز بودیم خیلی از لحاظ ادبی اخلاقی و فرهنگی بدتر شدن **(مصاحبه شماره ۸)**.

مقوله سوم: وضعیت مالی نامناسب میدان آموزش؛ مانع ارتقای سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان

این مقوله بیانگر آن است مشکلات مالی و اقتصادی که گریبانگیر میدان آموزش است، سطح علائق، تمایلات، نگرش، مطالعه و سایر رفتارهای آموزشی دانش‌آموزان را تحت‌تأثیر قرار داده و موجب شده است که سطح این موارد کاهش یابد. شایان ذکر است که کمبود بودجه در میدان آموزش موجب شده که سطح امکانات آموزشی ـ فرهنگی و برنامه‌های آموزشی، تفریحی، فرهنگی و ورزشی در میدان آموزش کاهش یابد و میدان آموزش به میدان آموزشی صرف و بدون تنوع تبدیل شود و نتواند موجبات جذب دانش‌آموزان را فراهم آورد و همین امر موجب شده که سطح علائق و انگیزه دانش‌آموزان به میدان آموزش و ادامه تحصیل کاهش یابد.

در حد یه جمله اگه بگم چرا دانش‌آموزهای ما رغبتی ندارن تمام عوامل، خانواده از دست رفته است، در مدارس عادی اکثر خانواده‌ها دارای مشکل هستن، بی‌رغبتی معلمین، عدم امکانات در مدرسه. بخدا در یکی از مدارسی که هستم دانش‌آموز رفته از مغازه باباش برگه آورده برای مدرسه چون که مدرسه بودجه نداشته. برای تکثیر برگه امتحانی در مدارس عادی ضعف داریم. ما در مدراس عادی ضعف داریم **(مصاحبه شماره ۱۴)**.

مقوله چهارم: مداخله سایر میدانهای اجتماعی؛ مانع ارتقای سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان

شغل و اشتغال به فعالیتی خاص یکی از عواملی است که تا حدودی سرمایه اقتصادی و فرهنگی و نمادین اعضای جامعه را مشخص و تعیین می‌کند. از این‌رو داشتن شغل برای اعضای جامعه مدرن از اهمیت بسیار برخوردار است. در یک دوره زمانی داشتن تحصیلات (سرمایه فرهنگی نهادی) از جمله عواملی بود که شرایط دستیابی به شغلی مناسب را فراهم می‌کرد و این امر موجب استقبال زیاد مردم از نهادهای آموزشی از جمله مدرسه و دانشگاه شد. متأسفانه شرایط جامعه ایران در دهه‌های اخیر به‌گونه‌ای است که میزان بیکاری تحصیل‌کرده‌ها روزبه‌روز افزایش می‌یابد. این شرایط موجب شده است که سطح علاقه و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان به‌مثابه عاملان اجتماعی که اشتغال به شغلی مناسب در آینده برایشان اهمیت بسیار دارد، در میدان آموزش کاهش یابد، زیرا آینده شغلی خود را از طریق

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

ادامه تحصیل مبهم می‌بینند. بنابراین میدان اشتغال از جمله میدانهای اجتماعی است که میدان آموزش و سطح عادت‌واره آن را تحت‌تأثیر قرار داده است.

علاوه‌بر میدان اشـــتغال، میدان رســـانه نیز از جمله میدانهای دیگری اســـت که عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان را تحت‌تأثیر قرار داده است. میدان رسانه به ویژه فضای مجازی و کانالهای ارتباطی از جمله تلگرام، واتس‌اَپ، اینستاگرام، بازیهای رایانه‌ای اندرویدی و غیره شرایط جذاب، زیبا و لذت‌بخشی را فراهم آورده و موجب شده‌اند که بسیاری از عاملان اجتماعی از جمله دانش‌آموزان به آنها مشغول شوند و مدت زیادی را به این امور اختصاص دهند. اشتغال و سرگرم شدن دانش‌آموزان به میدان رسانه و جذابیتهای آن موجب شـــده است که زمان مطالعه دانش‌آموزان کاهش یابد و دانش‌آموزان زمان مطالعه خود را به فعالیتهای مذکور اختصاص دهند. در این راســـتا می‌توان گفت که میدان آموزش به‌تدریج زیر سلطه و استعمار رسانه خواهد رفت.

بچه‌های امروزی به‌نظرم ســـردرگم هســـتند چون که آینده رو آینده‌ای روشن نمی‌بینند. حتی دانش‌آموزهای خیلی زرنگمون هم ســـردرگم هستند چون که آینده شغلی‌شون رو روشن نمی‌بینند... واقعیت اینه که آینده شـــغلی بچه‌ها روشن نیســـت و این هم روی رفتار تحصیلی بچه‌ها اثر می‌ذاره **(مصاحبه شماره ۲۱)**.

مقوله پنجم: منطق پنهان ضدآموزش؛ مانع ارتقای سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان

علاوه‌بر منطق آشـــکار ـ مکتوب که کنش آموزشی دانش‌آموزان را هدایت می‌کند و موجب کاهش سطح مطالعه، علاقه و انگیزه تحصیلی عاملان اجتماعی میدان مصرف شده، منطق پنهان میدان آموزش نیز ســـطح عادت‌واره نهادی عاملان اجتماعی میدان مصرف را در ســـالهای اخیر تحت‌تأثیر قرار داده و موجب تضعیف آن شده است. یکی از قوانین پنهان میدان آموزش «افزایش آمار قبولی سالانه مدارس» است. با توجه به این امر، مدیران و مسئولان آموزشی به‌طور غیرمستقیم شرایطی را فراهم می‌کنند که معلمان مجبور شوند در طراحی سؤالات امتحانی و تصحیح برگه امتحانی دانش‌آموزان شرایطی را تدارک ببینند که دانش‌آموز به‌راحتی قبول شود یا اینکه نمره مستمر و کتبی دانش‌آموزان را افزایش و به آنان نمره قبولی بدهند. با توجه به آنکه دانش‌آموزان در میدان آموزش حضور طولانی دارند و به این شناخت رسیده و به‌تجربه نیز دریافته اند که میدان آموزش در کسب نمره قبولی غیرواقعی به آنها کمک می‌کند، برای مطالعه و یادگیری تلاش چندانی نمی‌کنند و این امر موجب شده که میزان علاقه تحصیلی، انگیزه، مطالعه و یادگیری آنها کاهش یابد.

دانش‌آموز امروزه این حدس رو می‌زند که تحت هر شرایطی معلم مجبوره که نمره رو بده و این نمره دادن در دانش‌آموز ایجاد کاهش انگیزه می‌کنه **(مصاحبه شماره ۱۹)**.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

مقوله ششم: منطق آشکار میدان آموزش؛ مانع ارتقای سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان

دانش‌آموزان مهم‌ترین عاملان اجتماعی میدان مصرف هستند و برای حضور در این میدان، ناگزیر به‌پیروی و یادگیری منطق میدان آموزش‌اند و این منطق کنشهای آموزشی دانش‌آموزان را در میدان آموزش هدایت می‌کند. متأسفانه منطق آشکار ـ مکتوب میدان آموزش، منطقی تسهیل‌کننده است و شرایطی را فراهم آورده است که دانش‌آموزان به آسانی و بدون آنکه فعالیتهای آموزشی مانند مطالعه، رفتارهای آموزشی ـ فرهنگی زیادی انجام دهند یا دروس را یاد بگیرند، پایه‌های تحصیلی را پشت‌سر بگذارند. دانش‌آموزان به‌دلیل حضور طولانی که در میدان آموزش دارند، نسبت به این قوانین شناخت کاملی دارند. شناخت نسبتاً کافی از قوانین آموزشی میدان آموزش و مزایای آن موجب شده که دانش‌آموزان سطح مطالعه و یادگیری خود را بر مبنای شرایط استفاده از این قوانین تنظیم کنند و از آنجا که شرایط استفاده از قوانین مذکور، کسب نمرات حداقلی است، دانش‌آموزان نیز سطح مطالعه و کنش آموزشی خود را به حداقل رسانده‌اند. این امر درنهایت سبب شده است که سطح مطالعه و رفتارهای آموزشی ـ فرهنگی دانش‌آموزان کاهش یابد.

به‌نظر من این قوانین و تک‌ماده‌ها ۷۰ درصد بر کاهش میزان مطالعه و انگیزه دانش‌آموز تأثیر داشته و درسهای سختشون رو برای این تبصره و تک‌ماده‌ها می‌ذارن. البته تو مدارس خاص بچه‌ها یه کم بهترن **(مصاحبه شماره ۱۳)**.

یکی دیگر از قوانینی که موجب کاهش مطالعه و انگیزه دانش‌آموزان شده، قانون عدم مردودی در پایه‌های تحصیلی اول و دوم است. بر اساس این قانون دانش‌آموزان می‌توانند درسهای افتاده خود را در پایه دوم و درسهای افتاده پایه دوم و اول را در پایه سوم و به‌همراه دروس سوم بگذرانند. چنین قانونی موجب شده که احساس نیاز به مطالعه در دانش‌آموزان کاهش یابد و مطالعه و قبولی در برخی از دروس را به سالهای بعد موکول کنند. چنین شرایطی موجب کاهش سطح انگیزه تحصیلی، مطالعه و رفتار آموزشی دانش‌آموزان شده است.

دانش‌آموزی که تو دبیرستان ۱۰ تا درس داره و هر ۱۰ تا درس رو می‌افته و با همان تعداد درسی وارد سال دوم یا سوم می‌شه، انگیزه ای برای مطالعه دیگه نداره **(مصاحبه شماره ۱۰)**.

مقوله هفتم: تضعیف عادت‌واره نهادی میدان تولید تحت‌تأثیر میدان مصرف

میدان تولید و مصرف و عاملان آنها به‌دلیل آنکه رابطه متقابل طولانی دارند، از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. مقوله حاضر بیانگر آن است که تضعیف ابعاد عینی و ذهنی عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان (به‌مثابه عاملان اجتماعی میدان مصرف)، عادت‌واره نهادی معلمان در میدان تولید را تحت‌تأثیر قرار داده و موجب تضعیف آن شده است، به‌طوری‌که کاهش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان موجب کاهش انگیزه شغلی معلمان شده است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

عوامل اقتصادی هم روی این انگیزه معلم خیلی تأثیر داره. یکیش هم خود دانش‌آموزه ... وقتی من با تموم قدرت تلاش می‌کنم ولی می‌بینم که دانش‌آموزا که طرف مقابلم هستن هیچ انگیزه‌ای ندارن به‌مراتب من هم انگیزه‌ام رو ازدست می‌دم و می‌گم برای کی تلاش کنم **(مصاحبه شماره ۶)**.

پیامدهای منفی تضعیف عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان نه تنها انگیزه معلمان را کاهش داده، بلکه موجب کاهش علاقه شغلی آنها نیز شده است، به‌طوری‌که معلمان شور و شوق گذشته را ندارند. همچنین این کاهش انگیزه و سطح مطالعه دانش‌آموزان بر نحوه تدریس، فعالیت آموزشی و سطح مطالعه معلمان تأثیر منفی گذاشته و موجب کاهش سطح مطالعه و فعالیتهای آموزشی آنها در مدارس شده است. این پیامدها به‌گونه‌ای است که معلمان مانند گذشته در کلاسهای درس به فعالیت نمی‌پردازند و به آموزش سطحی و سنتی بسنده می‌کنند. به‌طور کلی سطح پایین مطالعه و علاقه تحصیلی دانش‌آموزان سبب کاهش سطح سواد، مطالعه، علاقه و تعهد شغلی معلمان در مدرسه، فرایند آموزش و کلاس درس شده است.

من اگه بخوام تجربه خودم رو بگم حقیقتش بارها شده که با انگیزه زیادی رفتم تو مدرسه و روزم رو با شادی و امید شروع کردم ولی وقتی رفتم کلاس دیدم که بچه‌ها اصلاً انگیزه‌ای ندارند و هیچ کدوم درس گذشته رو نخوندند و تمرینا رو انجام ندادن دلسرد شدم و گفتم ما برای کیا خودمون رو به‌زحمت میندازیم و دیگه اون جلسه نتونستم تدریس خوبی داشته باشم **(مصاحبه شماره ۲۷)**.

مقوله هشتم: سیر نزولی عادت‌واره نهادی میدان تولید؛ مانع ارتقای عادت‌واره نهادی میدان مصرف

این مقوله بیانگر آن است که سیر نزولی عادت‌واره نهادی در میدان تولید، عادت‌واره نهادی میدان مصرف را نیز تحت‌تأثیر قرار داده و موجبات کاهش آن را فراهم آورده است. شایان ذکر است که کاهش انگیزه شغلی معلمان موجب کاهش انگیزه دانش‌آموزان شده است. همچنین سطح پایین مطالعه، کاهش علاقه شغلی و تعهد شغلی معلمان علاوه‌بر کاهش سطح انگیزه و علاقه دانش‌آموزان سطح مطالعه و سواد آنها را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است.

وقتی معلم ما خسته است و انگیزه‌ای نداره و سطح مطالعاتش هم پایینه، خود به‌خود این بر دانش‌آموز هم تأثیر می‌ذاره. دانش‌آموز هم علاقه‌اش کم می‌شه، انگیزه‌اش میاد پایین و سطح سوادش هم میاد پایین **(مصاحبه شماره ۲۴)**.

۴. کدگذاری محوری

در این مرحله با توجه به ارتباط و پیوندی که میان مقوله‌ها وجود داشت، مقوله‌های مذکور مجدداً مورد دسته‌بندی و در ذیل سه مقوله عمده قرار گرفتند، سپس در یکی از ابعاد شرایطی، پدیده و پیامدی قرار داده شدند. نتایج این مرحله حاکی از آن است که عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در سالهای

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

اخیر تحت‌تأثیر شـــرایطی از جمله عادت‌واره نهادی میدان تولید، منطق آشکار ـ مکتوب ضعیف میدان آموزش، سیر نزولی عادت‌واره نهادی میدان تولید، منطق پنهان ضدآموزش میدان آموزش، مداخله سایر میدانهای اجتماعی و تأثیر وضعیت مالی نامناســـب میدان آموزش دانش‌آموزان تضعیف شده و این امر موجب شکل‌گیری پیامدهایی مانند تضعیف سطح عادت‌واره نهادی معلمان در میدان تولید شده است. به‌عبارت دیگر، تضعیف عادت‌واره نهادی در میدان مصرف، ســـطح عادت‌واره نهادی میدان تولید را نیز تحت‌تأثیر خود قرار داده است.



شکل ۱. مدل وضعیت، شرایط و پیامدهای عادت‌واره نهادی میدان مصرف

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر برای تحلیل سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در ایران و تغییرات آن در طول زمان، چارچوب مفهومی تحقیق مبتنی بر دیدگاه بوردیو و منابع تجربی مرتبط با آن تنظیم شده است و بر مبنای آن سؤالات اصلی تحقیق تدوین و مورد بررسی قرار گرفته است. بر مبنای نتایج بخش کمی عـــادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در میدان آموزش از وضعیت متوســـطی برخوردار اســـت. این امر بدان معناست که میزان علائق علمی ـ آموزشی، فرهنگی و ادبی دانش‌آموزان؛ سطح ارزشهای علمی ـ آموزشی و فرهنگی (مانند مطالعه، آراستگی، حفظ میراث فرهنگی)؛ میزان مطالعه کتابهای درسی و غیردرسی، مجلات، روزنامه‌ها و مقالات علمی؛ و سطح رفتارهای فرهنگی ـ آموزشی مانند رفتن به کتابخانه، امانت کتاب، شـــرکت در جشـــنواره‌ها و همایشهای علمی ـ آموزشـــی؛ بازدید از نمایشگاههای هنری، علمی، آموزشـــی؛ مراجعه به کتابفروشی و خرید کتاب، مشاهده برنامه‌های علمی، آموزشی و فرهنگی؛ رعایت نظم و انضباط در مدرســـه، نوشتن یادداشت و جست‌وجوی مطالب آموزشی، ادبی، فرهنگی و علمی در شـــبکه‌های اجتماعی مجازی و اینترنت؛ و تلاش برای حفظ میراث فرهنگی و محیط زیســـت در سطح

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

متوسط قرار دارد. شایان ذکر است که بُعد عینی عادت‌واره نهادی که شامل عادات مطالعاتی و رفتارهای آموزشی ـ فرهنگی است در سطح پایین‌تر از متوسط قرار دارد که این نتیجه زیاد رضایت‌بخش نیست. با توجه به اینکه دانش‌آموزان مهم‌ترین عاملان اجتماعی در میدان آموزش هستند و در زیرمیدان مصرف فعالیت می‌کنند، لازم است که از عادت‌واره آموزشی ـ فرهنگی والایی برخوردار باشند تا بتوانند کارکرد تخصصی میدان آموزش را که همان افزایش سـرمایه فرهنگی، به‌ویژه سـرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و عادت‌واره آموزشی و فرهنگی است، به‌خوبی تحقق بخشند.

نتایـج بخش کیفی نیز ضمـن تأیید نتایج بخش کمی حاکی از آن اسـت که عـادت‌واره نهادی دانش‌آموزان از نظر ذهنی تضعیف شده است. به‌طوری‌که دانش‌آموزان علاقه کافی به مدرسه و تحصیل ندارند و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان نیز کاهش یافته است. تضعیف سطح عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان نه‌تنها ابعاد و سطوح ذهنی عادت‌واره نهادی را دربرگرفته، بلکه بُعد عینی و سطوح آن را نیز دستخوش تغییر و تحول قرار داده اسـت. به‌طوری‌که مطالعه درسی و غیردرسی دانش‌آموزان کاهش یافته است. دیگـر نتیجهٔ بخش کیفی حاکی از آن اسـت شـرایط گوناگون زمینه‌های تضعیف عـادت‌واره نهادی دانش‌آموزان را فراهم کرده‌اند. به‌طوری‌که برخی از این شرایط درون ـ میدانی هستند که در این زمینه می‌توان به شـرایطی مانند وضعیت مالی نامناسـب میدان آموزش و منطق میدان آموزش اشاره کرد. به‌عبارت دیگر، شـرایط مذکور به‌دلیل فراهم کردن شرایطی مانند ضعف امکانات آموزشی و فعالیتهای فراغتی و تفریحی از یک سـو و فراهم کردن شرایط تسـهیل‌کننده قبولی و تضعیف زمینه‌های رقابت آموزشی از سوی دیگر، همچنین وجود عادت‌واره نهادی ضعیف معلمان در میدان تولید، موجب شده‌اند که عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در میدان آموزش تضعیف شـود. البته به‌جز شـرایط درون ـ میدانی، شـرایط فرامیدانی مانند مداخله سایر میدانهای اجتماعی موجب تضعیف عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان شـده‌اند. مهم‌ترین میدانهایی کـه زیرمیدان مصرف آموزش را تحت‌تأثیر قـرار داده و موجب تضعیف عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان شـده‌اند، میدانهای رسانه و اشتغال هستند. شایان ذکر است که افزایش میزان بیکاری افراد تحصیلکرده و اشتغال آنها به مشاغل کاذب موجب شده است که سطح علاقه و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان به‌مثابه عاملان اجتماعی که اشـتغال به شغلی مناسب در آینده برایشان اهمیت بسیار دارد، در میدان آموزش کاهش یابد، زیرا آینده شغلی خود را از طریق ادامه تحصیل مبهم می‌دانند. همچنین میدان رسانه نیز به ویژه فضای مجازی و کانالهای ارتباطی مانند تلگرام، واتس‌اَپ، اینستاگرام، بازیهای رایانه‌ای اندرویدی و غیره با فراهم کردن شـرایط جذاب، زیبا و لذت‌بخش، موجب شده‌اند که بسیاری از عاملان اجتماعی از جمله دانش‌آموزان با آنها مشغول شوند و زمان مطالعه خود را به فعالیتهای مذکور اختصاص دهند و این امر به‌تدریج موجب تضعیف عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان شده است.

شـکل‌گیری پدیده تضعیف عادت‌واره نهادی عاملان اجتماعی میدان مصرف موجب شـکل‌گیری پدیده‌هایی مانند تضعیف عادت‌واره نهادی معلمان در میدان تولید آموزش شده است. این امر حاکی از

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

آن اســـت که تضعیف عادت‌واره نهادی عاملان اجتماعی میدان مصرف امری خنثی نیست، بلکه دارای اثرات و پیامدهای منفی اســـت. از دیگر نتایج حائز اهمیت آن اســـت که میان زیرمیدان تولید و مصرف در میدان آموزش رابطه متقابلی وجود دارد. به‌طوری‌که از یک‌سو، تضعیف عادت‌واره نهادی معلمان موجب تضعیف عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان می‌شـــود، از ســـوی دیگر، تضعیف عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان موجب تضعیف عادت‌واره نهادی معلمان می‌شود. این همان رابطه متقابلی است که بوردیو تأکید دارد در میدانهای اجتماعی میان زیرمیدان تولید و مصرف وجود دارد. نتایج تحقیق حاضر از آن جنبه که بیانگر تأثیر شـــرایط درون ـ میدانی و فرامیدانی بر عـــادت‌واره نهادی عاملان اجتماعی میدان مصرف و رابطه متقابل میدان مصرف و تولید در میدان آموزش است، مؤید نظریه بوردیو است. از نظر تجربی نیز این نتیجه با نتایج تحقیق فلدمن و فاتار (۲۰۱۷) که حاکی از تغییرات عادت‌واره نهادی تحت‌تأثیر شرایط میدانی است، همخوانی دارد.

«تضعیف عادت‌واره نهادی دانش‌آموزان در میدان مصرف آموزش ایران» یکی از چالشـــهایی اســـت کـــه میدان آموزش را با ناکارآمدی مواجه کرده اســـت، زیرا دانش‌آموزان به‌دلیل آن که مهم‌ترین عامل اجتماعی زیرمیدان مصرف آموزش‌اند، بایستی از عادت‌واره نهادی والایی برخوردار باشند تا بتوانند کارکرد تخصصی میدان آموزش (که همان تولید و افزایش سرمایه فرهنگی به‌ویژه سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و عادت‌واره آموزشی و فرهنگی است)، را به خوبی تحقق بخشند. در غیراین‌صورت تحقق یافتن چنین کارکردی با چالشهای بسیار مواجه و موجب می‌شود که میدان آموزش نتواند در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تحولات لازم را ایجاد کند. بنابراین یکی از چالشـــهای میدان آموزش که کارآمدی آن را نیز با مشکل مواجه ساخته است، ضعف عادت‌واره نهادی عاملان اجتماعی زیرمیدان مصرف است. با توجه به آنکه عادت‌واره نهادی امری گســـترده اســـت و نظامی منســـجم از تمایلات، باورها، ارزشها، نگرش و رفتارها را دربرمی‌گیرد، ضروری اســـت که به این چالش توجه شـــود و در راســـتای ارتقای آن برنامه‌ریزیهایی گسترده صورت گیرد. در غیراین‌صورت میدان آموزش با چالشهای بیشتری مواجه خواهد شـــد و با توجه به آنکه این میدان نقشی مهم در ارتقای شاخص توسعه انسانی دارد، فرایند دستیابی به توسعه نیز مختل خواهد شد. بنابراین پیشنهاد می‌شود قوانین میدان آموزش از جمله قوانین آموزشی و اجرایی بررسی و تحلیل شوند و ماده‌ها یا تبصره‌هایی که موجب تضعیف عادت‌واره آموزشی دانش‌آموزان می‌شـــوند بازنگـــری و اصلاح گردند. همچنین با توجـــه آنکه وضعیت مالی نامناســـب میدان آموزش، زمینه کاهش ســـطح عادت‌واره آموزشـــی دانش‌آموزان را فراهم کرده است، پیشنهاد می‌شود که میدان آموزش از نظر مالی تقویت شـــود. در پایان شایان ذکر است که پژوهشگر برای انجام دادن این پژوهش همچون ســـایر پژوهشها با مشکلات متعدد مواجه بود که گســـتردگی پژوهش و دریافت مجوز از اداره آموزش و پرورش برای ورود به مدارس از مهم‌ترین آنهاست.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

منابع

REFERENCES

آقازاده، احمد. (۱۳۸۲). *تاریخ آموزش و پرورش ایران*. تهران: انتشارات ارسباران.

اســـتراوس، انســـلم و کربین، جولیت. (۱۳۹۱). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریهٔ زمینه‌ای*، ترجمهٔ ابراهیم افشار. تهران: نی.

بوردیو، پیر. (۱۳۸۱). کنشهای ورزشی و کنشهای اجتماعی، ترجمه محمدرضا فرزاد. *فصلنامه ارغنون*، ۲۰، ۲۲۷-۲۴۶.

ـــــــــــــــــــ . (۱۳۹۱). *تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.

پرستش، شهرام. (۱۳۹۰). *روایت نابود ناب، تحلیل بوردیویی بوف کور در میدان ادبی ایران*. تهران: نشر ثالث.

جلایی‌پور، حمیدرضا و محمدی، جمال. (۱۳۸۷). *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*. تهران: نشر نی.

حاجی‌هاشمی، سعید. (۱۳۸۷). *توسعه و توسعه‌نیافتگی: روش تفکر و عقلانیت در توسعه (مطالعه موردی ایران)*. اصفهان: وسپان.

حسینی، مریم و سالارکیا، مژده. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر سرمایه‌های زنان بر نقش سلطه در رمان رویای تبت بر اساس نظریه کنش پیر بوردیو. *فصلنامه ادبیات داستانی*، ۱ (۴)، ۱۷-۴۰.

خوش‌آمدی، مرتضی. (۱۳۸۸). *گفتمان، فقر، قدرت با تمرکز بر جامعه‌شناسی بوردیو*. تهران: بینش نو.

داوری‌اردکانی، رضا. (۱۳۹۰). *درباره تعلیم و تربیت در ایران*. تهران: سخن.

دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (سند مشهد مقدس)*. تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.

دلیرپور، پرویز. (۱۳۹۴). امکان‌ســـنجی بررسی انقلاب اســـلامی بر پایه نظریه جامعه‌شناسی پیر بوردیو. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۴ (۱۷)، ۱-۲۰.

ریتزر، جورج. (۱۳۹۳). *نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایبی. تهران: نشر نی.

قادرزاده، امید و فرجی، سیروان. (۱۳۹۳). تحلیل تجربه‌های معلمان از دو شغله بودن: مطالعه کیفی دلایل و پیامدها. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، ۷ (۲۶)، ۱۱۹-۱۴۶.

محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). *ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

معدن‌دار آرانی، عباس و سرکار آرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). *آموزش و توسعه*. تهران: نی.

Ahmad, E., Rehman, K., Ali, A., Khan, I., & Akbar khan, F. (2014). Critical analysis of the problems of education in Pakistan: Possible solutions. *International Journal of Evaluation and Research in Education*, *3*(2), 79-84.

Beck, E. (2016). Repopulating development: An agent-based approach to studying development interventions. *World Development*, *80*, 19-32.

Birks, M., & Mills, J. (2011). *Grounded theory: A practical guide*. Sage.

Bourdieu, P. (1995). *Outline of a theory of practice*. Translated by Richard Nice. Cambridge: Cambridge University Press.

Dumais, S. A. (2002). Cultural capital, gender, and school success: The role of habitus. *Sociology of*

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]

Education, *75*(1), 44-68.

Engström, S., & Carlhed, C. (2014). Different habitus: Different strategies in teaching physics? Relationships between teachers' social economic, and cultural capital and strategies in teaching physics in upper secondary school. *Cultural Studies of Science Education, 9*(3), 699-728.

Feldman, J., & Fataar, A. (2017). Embodying pedagogical habitus change: A narrative-based account of a teacher's pedagogical change within a professional learning community. *Journal of Education*, *70*, 73-99.

Kendall, J. (1999). Axial coding and the grounded theory controversy. *Western Journal of Nursing Research*, *21*(6), 743-757.

Martin, M. O., Mullis, I. V. S., Foy, P., & Hooper, M. (2016). *TIMSS 2015 international results in science*. Retrieved from Boston College, TIMSS & PIRLS International Study Center website: http://timssandpirls.bc.edu/timss2015/international-results/

Masino, S., & Niño-Zarazúa, M. (2016). What works to improve the quality of student learning in development countries? *International Journal of Educational Development*, *48*, 53-65.

Mullis, I. V. S., Martin, M. O., Foy, P., & Hooper, M. (2016). *TIMSS 2015 international results in mathematics*. Retrieved from Boston College, TIMSS & PIRLS International Study Center website: http://timssandpirls.bc.edu/timss2015/international-results/

Pang, B., & Soong, H. (2016). Teachers experiences in teaching Chinese Australian students in health and physical education. *Teaching and Teacher Education, 56*(1), 84-93.

Reay, D. (2004). It's all becoming a habitus: Beyond the habitual use of habitus in educational research. *British Journal of Sociology of Education*, *25*(4), 431-445.

Thomas, L. (2002). Student retention in higher education: The role of institutional habitus. *Journal of Education Policy*, *17*(4), 423-442.

Udefuna, P. N., Akalefu, C., & Asogwa, C. (2013). Entrepreneurship education and economic development in Nigeria: Policy issues and option. *Industry & Higher Education*, *27*(5), 343-348.

Walker, D., & Myrick, F. (2006). Grounded theory: An exploration of process and procedure. *Qualitative Health Research*, *16*(4), 547-559.

Zrim Martinjak, N. (2015). Influence of habitus and practical education on the teachers' pedagogical praxis. *Croatian Journal of Education*, *17*(2), 191-204.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1401.38.1.6.4]